The University of Tehran Press

**Public Law Studies Quarterly**

**Homepage: http://jplsq.ut.ac.ir**

**Online ISSN:** 2423-8139

**Volume:** 53, **Issue:** 4
Winter 2024

# The Right to Happiness in light of Sustainable Development Goals

**Mohammad Lori Nejad[1] | Pooneh Tabibzadeh[2]✉**

1. Ph.D.Student in Public Law, Faculty of Law. Islamic Azad University Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran. Email: lorinejad@gmail.com
2. Corresponding Author; Assistant Prof, Department of Public Law, Faculty of Law. Islamic Azad University Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran. Email: P_tabibzadeh@yahoo.com

## Article Info

**Article Type:**
Research Article

**Pages:** 2081-2104

**Received:**
2021/06/15
**Received in revised form:**
2021/08/28
**Accepted**:
2021/10/03
**Published online:**
2023/12/22

**Keywords**:
*sustainable development, right to happiness, social development, social health, sustainable lifestyle*

## Abstract

Happiness is considered a measure of countries' development level, in the sense that the realization of human happiness passes through development. Accordingly, being kept away from the pursuit of happiness has prompted the UN to set sustainable development goals as a comprehensive roadmap and an action plan for realizing the right to happiness within four categories namely social, economic, social health and lifestyle development. In so doing, states' planning and development policies should be framed in such a way that the social and economic ground is laid for people to realize happiness. With such importance and necessity, understanding the meaning of the right to happiness in the light of sustainable development goals, the legal nature of this right in respect of legal foundations and documents as well as the relation between right to happiness and sustainable development goals constitutes the main idea and problem of this article. This article investigates this subject matter on the basis of a descriptive-analytical method and library studies. The result would be that the positive sustainable development approach can be a reliable avenue toward the right to happiness, which is subject to many requirements and instruments in the scope of social, economic, social health and lifestyle development.

**How To Cite**

Lori Nejad, Mohammad; Tabibzadeh, Pooneh (2023). The Right to Happiness in light of Sustainable Development Goals. *Public Law Studies Quarterly*, 53 (4), 2081-2104.
DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.321652.2748

**DOI** 10.22059/JPLSQ.2021.321652.2748

**Publisher** University of Tehran Press.

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی
Homepage: http://jplsq.ut.ac.ir
انتشارات دانشگاه تهران
شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳
دوره: ۵۳، شماره: ۴
زمستان ۱۴۰۲

# حق بر شادی در پرتو اهداف توسعهٔ پایدار

**محمد لری‌نژاد[۱] | پونه طبیب‌زاده[۲]✉**

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه آزاد واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران.
رایانامه: lorinejad@gmail.com

۲. نویسندهٔ مسئول؛ استادیار، گروه حقوق، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه آزاد واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران.
رایانامه: P_tabibzadeh@yahoo.com

**اطلاعات مقاله**

**نوع مقاله:** پژوهشی

**صفحات:** ۲۰۸۱-۲۱۰۴

**تاریخ دریافت:**
۱۴۰۰/۰۳/۲۵

**تاریخ بازنگری:**
۱۴۰۰/۰۶/۰۶

**تاریخ پذیرش:**
۱۴۰۰/۰۷/۱۱

**تاریخ انتشار برخط:**
۱۴۰۲/۱۰/۰۱

**کلیدواژه‌ها:**
*توسعهٔ پایدار، حق بر شادی، توسعهٔ اجتماعی، سلامت اجتماعی، سبک زندگی پایدار.*

**چکیده**

شادی، معیاری برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌آید؛ بدین‌گونه که مسیر تحقق شادی انسان از رهگذر توسعه است. بر این اساس، دور افتادن از پیگیری شادی سبب شده است که سازمان ملل متحد اهداف توسعهٔ پایدار را به‌عنوان نقشهٔ راه و الگویی جامع و برنامهٔ عملیاتی برای تحقق حق بر شادی در چهار مقولهٔ توسعهٔ اجتماعی، اقتصادی، سلامت اجتماعی و سبک زندگی پایدار مقرر کند. بر همین اساس، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها نیز باید به‌گونه‌ای تصویب شود که زمینه اجتماعی و اقتصادی درک شادی را برای مردم فراهم سازد. براساس این اهمیت و ضرورت، فهم معنای حق بر شادی در پرتو اهداف توسعه پایدار، ماهیت حقوقی این حق از منظر مبانی حقوقی و اسناد و نیز نسبت میان حق بر شادی و اهداف توسعهٔ پایدار، ایده و مسئلهٔ اصلی این مقاله را شکل می‌دهد. این نگاشته، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای به این بررسی می‌پردازد. نتیجه آنکه، رویکرد اثباتی توسعهٔ پایدار می‌تواند رهگذر مطمئنی برای حق بر شادی فراهم آورد که اقتضائات و لوازم متعددی نیز در حوزهٔ توسعهٔ اجتماعی، اقتصادی، سلامت اجتماعی و سبک زندگی پایدار در پی خواهد داشت.

**استناد**
لری‌نژاد، محمد؛ طبیب‌زاده، پونه (۱۴۰۲). حق بر شادی در پرتو اهداف توسعهٔ پایدار. *مطالعات حقوق عمومی*، ۵۳ (۴)، ۲۰۸۱-۲۱۰۴.
DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2021.321652.2748

**DOI** 10.22059/JPLSQ.2021.321652.2748

**ناشر** مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

CC BY NC

## ۱. مقدمه

شادی مقوله‌ای است که از ابعاد گوناگون زندگی انسان تأثیر می‌پذیرد و بر ابعاد گوناگون آن تأثیر می‌گذارد (Jeon & shin, 2014: 44)، برای نمونه، در سطح بین‌المللی، شادی مافوق قدرت، راهی برای ایمنی و بقای جهان است (sacks, 2018: 8). با توجه به این مسائل، در دهه‌های اخیر با بسط مفهومی توسعه و انسان‌گرا بودن این مفهوم به یکی از موضوعاتی تبدیل شده که مورد توجه کشورها و سازمان‌های مختلف از جمله سازمان ملل قرار گرفته است؛ تا آنجا که «شادی پایدار و توسعهٔ پایدار را به‌منزلهٔ دو روی یک سکه نامیده‌اند» (Wangdi, 2015: 4).

از سال ۲۰۰۰ میلادی، شادی معیاری برای سطح توسعه‌یافتگی کشورها به‌شمار می‌رود و این موضوع، به دایر کردن وزارتخانهٔ شادی[1]، در برخی از کشورهای در حال توسعه منجر شده است. نگرانی‌های فزاینده در مورد ناکافی بودن شاخص‌های عملکرد اقتصادی مانند آمار و ارقام تولید ناخالص داخلی به‌عنوان معیارهای رفاه و شادی سبب شده است که بیشتر کشورهای اروپایی فراتر از «تولید ناخالص داخلی»، به‌دنبال تکمیل و تطابق تولید اقتصادی با ابعاد توسعه از جمله توسعهٔ زیست‌محیطی و اجتماعی در رابطه با کیفیت زندگی و رفاه در سطح برنامهٔ ملی، در پی شادی باشند (stiglitz, 2008: 12)، تا جایی که در انگلستان، دیوید کامرون نخست‌وزیر وقت اعلام کرده است: «اقدام‌هایی در زمینهٔ بهزیستی ملی، در تلاش برای مراقبت از «شادی در قلب مردم» به‌جای «پول در جیب مردم» انجام خواهد داد» (Booth, 2012: 25).

همچنین برنامه‌ریزان کشورهای شورای نوردیک برنامه‌های سیستم رفاه[2] را که در شادی پایدار مؤثر است، دنبال می‌کنند؛ چه آنکه سیستم رفاه بالای این کشورها، به‌همراه فقدان فساد، وضعیت دموکراسی و حقوق سیاسی مطلوب، برابری جنسیتی، توزیع برابر درآمد، شادی پایداری را برای مردمان این کشورها رقم زده است (Martelos, 2020:1).

ضرورت و اهمیت نگرش به اهداف توسعهٔ پایدار، در آن است که محوریت یافتن توجه به انسان و رفع نقاط ضعف توسعه‌نیافتگی و در نتیجه، شادی انسان را می‌توان در آن دید. بنابراین، مسئلهٔ اصلی را بدین صورت می‌توان صورت‌بندی کرد که چگونه ابعاد مختلف توسعهٔ پایدار می‌تواند موجب تحقق حق بر شادی شود؟ فرضیهٔ نگارندگان چنین است که می‌توان به اهداف توسعهٔ پایدار به‌عنوان مبنایی برای طرح «شادی به‌عنوان یک حق» نگریست که در صورت اجرای موفقیت‌آمیز این اهداف در این برههٔ پانزده‌ساله، بهزیستی و شادی مردم در سراسر جهان خواهد یافت.

---

۱. امارات متحدهٔ عربی، ونزوئلاء، نیجریه، بوتان و اکوادر به تأسیس وزارتخانهٔ شادی اقدام کرده‌اند و در هند نیز، ایالت مادیا پرادش به ایجاد اداره شادی مبادرت کرده است. اخیراً حتی در انگلستان نیز دو وزارتخانهٔ روحی و روانی و تنهایی برای رفع مشکلات مردمانش تأسیس شده است (Barran, 2020: 58).

2. welfare system

براساس این سؤال و فرضیه، پژوهش بر این سامان است که ابتدا درآمدی بر حق بر شادی از حیث مفهوم‌شناسی و ماهیت حقوقی آن مطرح می‌شود؛ پس از آن مبانی نظری حق بر شادی و اقدام‌های سازمان‌های بین‌المللی و در نهایت نیز مدل نظری رسیدن به شادی به‌مثابهٔ یک حق با استفاده از چهار الگووارهٔ واقع‌بینانهٔ توسعهٔ اقتصادی، توسعهٔ اجتماعی، سلامت اجتماعی و سبک زندگی پایدار منقسم از اهداف توسعهٔ پایدار بررسی می‌شود؛ همچنان‌که ضرورت توجه برنامه‌ریزان ایرانی به حق بر شادی در برنامه‌های توسعه تحلیل و ارزیابی خواهد شد.

## ۲. حق بر شادی: مفهوم و ماهیت

صرف مفهوم شادی[1] به‌عنوان پدیده‌ای مهم به‌طور سنتی در رشته‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، عرفان و ادبیات مورد توجه قرار گرفته است. اخیراً نیز اقتصاددانان به تحقیق و پژوهش در زمینهٔ «اقتصاد شادکامی»[2] پرداخته‌اند. روی نهادن به‌سوی شادی در میان حقوقدانان به این علت بوده است که بتوان در کنار عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی از غایت‌مداری حقوقی ممکن دیگری بنام شادی‌خواهی سخن گفت (جاوید و نیک‌نژاد، ۱۳۹۷: ۴۹).

می‌توان مقولهٔ شادی را در دو تعریف گنجاند[3]: شادی «زودگذر، موقتی و کوتاه‌مدت»[4] که بنا به یک موقعیت خاص تجربه می‌شود؛ مانند شادی ناشی از شنیدن یک خبر خوشحال‌کننده (wiking, 2014: 7). در اینجا شادی نوعی هیجان ناپایدار است که می‌تواند چند ثانیه یا چند دقیقه یا چند ساعت ادامه داشته باشد که این نوع شادی تا حدود زیادی منوط و وابسته به شرایط و عوامل فردی (شخصیت، سن و ژنتیک) است. در علم روان‌شناسی این نوع از شادی فقط یک احساس تلقی می‌شود (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۳۹) که در جنبهٔ عاطفی شادی جای می‌گیرد. در موضوع حق بر شادی، این نوع شادی مدنظر نیست.

دومین حالت شادی، ابعادی پایدار و بادوام دارد و به آن جنبهٔ شناختی شادی اطلاق می‌شود. همچنین، در بحث «حق شادی» به‌مثابهٔ حقی عمومی، این حالت مدنظر است. این حالت شادی، متأثر از عوامل بیرونی مانند ساختار اقتصادی و اجتماعی و عوامل محیط زیستی است و بیشتر تحت عنوان «رضایت، خرسندی و نشاط» از آن یاد می‌شود.

این جنبه از شادی، جنبهٔ خاصی از زندگی را مورد قضاوت قرار نمی‌دهد، بلکه کل زندگی را مدنظر

---

1. Happiness
2. Economics of happiness
۳. شایان توجه است که در این پژوهش کلمات شادی، خوشبختی یا خوشبختی ذهنی، بهزیستی به‌عنوان مفاهیم قابل تبادل استفاده می‌شود.
4. Short_term

قرار می‌دهد. در این قالب شادی یک داوری و سنجش نسبت به کل زندگی به‌عنوان زندگی کاملاً مطلوب و ایده‌آل، مورد توجه قرار می‌گیرد. این ارزیابی درک عقلانی ما از تجزیه‌وتحلیل کیفیت زندگی است (Veenhoven,1998: 233) هرچند در ساختار روانی فرد تجربه می‌شود و ماهیتی ذهنی دارد (Antonescu, 2016: 14)، اما محصولی ساختاری و اجتماعی است. بنابراین وقتی می‌توان تعریف جامعی از شادی طرح کرد که فرد نگرش مثبت به تمام جنبه‌های زندگی داشته باشد که این امر، حاصل داوری و سنجش فرد از همهٔ ابعاد زندگی است (Brulde, 2007: 7) یا اینکه در پاسخ به این پرسش که «آیا از زندگی خود به‌عنوان یک کل راضی هستید؟» (World happiness report, 2013: 3) بیان و گفته شود «همه چیز مطلوب است». از نظر وینهوون این مطلوبیت زندگی با عنوان شادی یا حق بهزیستی درونی به‌کار می‌رود، زیرا هم پایدار است و هم مربوط به کل زندگی است (Veenhoven, 2006: 8). از این منظر شادی منوط به زیستن در جامعه‌ای خوب توصیف می‌شود (نیک‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۰) و فقط زمانی رخ می‌دهد که شرایط روانی انسان‌ها از پوستهٔ اشتغال و دغدغه‌های فکری بیرون بیاید (Curle, 2007: 81). به‌عبارت دیگر افراد وقتی احساس نیکبختی می‌کنند که تمام ابعاد زندگیشان در حالت مطلوب قرار داشته باشد. در این معنا شادی با اصطلاح «رضایت از زندگی»[1] اغلب به معنایی یکسان انگاشته می‌شود. در حقیقت، اگرچه شادی به‌عنوان یک حق، زمانی حاصل می‌شود که فرد نسبت به تمام جنبه‌های زندگی‌اش احساس رضایت و خشنودی داشته باشد، ولی حق بر شادی، به جامعه‌ای که مبتنی بر احترام به حقوق و آزادی‌های افراد باشد، محتوا و امکان می‌بخشد و ازاین‌رو، مشتمل بر «مجموعه‌ای از تمام حق‌ها، آزادی‌ها و حمایت‌هایی است که افراد از طریق آن، به شادی و بهزیستی می‌رسند» (Thierer, 2018: 1).

به‌نظر نگارنده می‌توان حق بر شادی را چنین تعریف کرد: استحقاق افراد در داشتن احساسات مثبت نسبت به کل امور زندگی، که برای تحقق و بهره‌مندی از سایر حق‌ها و آزادی‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است.

در این زمینه، می‌توان حق بر شادی را حقی مطلق دانست که ایجاد محدودیت نسبت به آن، به‌نظر دشوار یا حتی ناشدنی می‌رسد و تحدید آن را نمی‌توان به هیچ عنوان و دلیلی توجیه کرد و نباید به بهانه‌های نادر که برخی کشورها برای آن قائل می‌شوند، این حق را برای مردم کمرنگ ساخت (روحانی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴۶)؛ به‌خصوص آنکه، حق بر شادی نه با موارد داخلی و امنیتی و نه با حقوق طبیعی و وضعی سر ناسازگاری ندارد. همچنین کالبد شادی به‌مثابهٔ یک حق، ماهیتی دوگانه دارد؛ به این معنا که هم جزو حقوق ایجابی است و هم در دستهٔ حقوق سلبی قرار دارد. بر این اساس، شادی، چنان حقی نیست که

1. Life of satisfaction

به صرف عدم دخالت توسط دیگران تحقق یابد، بلکه دولت به‌عنوان متعهد اصلی در این حق انسانی، از یک سو مکلف است نه خود، این حق را نقض کند و نه اجازه دهد دیگران مرتکب چنین نقضی شوند. از سوی دیگر، متعهد است اقدام‌های مثبتی برای رسیدن شهروندان به شادی اتخاذ کند (Murinica, 2017: 54). بنابراین، دولت‌ها نسبت خود با این حق را در دو پارادایم پیگیری می‌کنند؛ نخست تعهد به عدم مداخله تحدیدوار؛ و دیگری تکلیف به تأمین و تضمین این حق به نفع دارندگان حق (Grodin, 1997: 27).

بر این اساس و چنانکه در آینده نیز خواهد آمد، مهم‌ترین دلیل ارتباط اهداف توسعهٔ پایدار و حق بر شادی، نسبتی است که از حیث کارویژهٔ دولت‌ها با این حق وجود دارد و ضروری است همراستا با این صلاحیت، و در قالب توسعهٔ پایدار به تحقق این شادی و نیز رفع مانع از پیشاروی این حق اقدام شود. بر همین اساس، مستظهر به اهداف توسعهٔ پایدار، دولت‌های متبوع افراد در وهلهٔ اول و جامعهٔ جهانی در وهلهٔ دوم، مسئولان عدم تحقق این حق هستند. این تحلیل مبتنی بر ماهیت حقوقی شادی است که فراتر از درج در ذیل «تقاضا»های فردی از افراد، یا «آزادی»، در قالب کامل‌تری به نام «حق» تحت پیگیری است.

در واقع، حتی می‌توان گفت بیشترین عاملی که مردم را برای انقلاب و تشکیل حکومت جدید تهییج می‌کند، رهایی از ناکامیابی و رسیدن به شادی دانست.[1] از همین روست که نقش شادی و بهزیستی در زندگی انسان به‌حدی است که شادی را اولین قانون هر حکومتی دانسته‌اند (Murray, 2013: 6). در نوشته‌های حقوقی گوناگونی نیز از «شادی» به‌مثابهٔ یک حق یاد شده است (Antonescu, 2014: 1). به هر روی، مطالبهٔ مردم و بنیان نهادن حکومت‌ها بر این ادعا، منزلت شادی را از «تقاضاهای منفرد» و «آزادی که ذاتاً قابلیت مطالبه ندارد» خارج می‌کند و آن را در زمرهٔ «حق» قرار می‌دهد. از سوی دیگر چه‌بسا بتوان ریشه و عامل بسیاری از موارد عدم تحقق حق شادی را در ورای مرزهای جغرافیایی کشورها جست‌وجو کرد؛ برای مثال کشورهایی که مورد تحریم قرار می‌گیرند، با مشکلات فراوانی از جمله افزایش تورم، بسته شدن کارخانه‌ها و تعطیلی صنایع و به‌تبع آن افزایش بیکاری، می‌توانند تحت تأثیر تحریم به‌وجود آیند، مواجه می‌شوند. این مشکلات فشار عصبی زیادی را بر مردم وارد می‌کند و موجب می‌شود احساس شادی کمتری نسبت به قبل از تحریم داشته باشند (رجبی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

## ۳. فلسفهٔ حق بر شادی

شاید اقبال و روی آوردن به مفهوم حق شادی در دهه‌های اخیر را بتوان وامدار تجربه‌های تلخی دانست که بشر از زیر پا نهاده شدن کرامت انسانی تجربه کرده است. بر این اساس، همان‌گونه‌که «شناسایی و اعلام حق‌های بشری یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها برای پاسخگویی کارامد به مطالبات اجتناب‌ناپذیر

1. Declaration of Independence of the United States. preamble

کرامت انسانی است» (jurkovic, 2018: 13)، «حق شادی نیز همانند سایر حق‌های بنیادین بر پایهٔ اصل کرامت و ارزش ذاتی انسان بنا شده است[۱]». بایرتز[۲] می‌نویسد: «انسان صاحب کرامت، موجودی رنجور و ناکام نیست و دنیای خاکی دیگر درهٔ اشک‌ها نیست، بلکه قلمرویی است که آدمی باید تاج کرامت بر سر و کاخ خوشبختی خود را در آن بنا نهد» (Bayertz, 1996: 75).

کرامت انسانی، آدمی را واجد حقوقی می‌سازد که صرفاً به‌واسطهٔ انسان بودن از آنها برخوردار است و همچنین از آنجا که در حقیقت، حق شادی گسترش اصل کرامت انسانی قرار گرفته است (Kondo & Morilas, 2018: 119)، نبودن پاره‌ای از شرایط و امکانات، کرامت ذاتی انسان‌ها و حق بر شادی را به خطر می‌اندازد. به‌عبارتی، روح و فلسفهٔ معنایی این حق به‌گونه‌ای است که اگر به کسی بگویند حق بر شادی دارد ولی از حداقل امکانات و حقوق اساسی محروم است، دارا بودن این حق برای او بی‌فایده و عاری از معنا خواهد بود. افزون‌بر این زندگی باکرامت مستلزم شادی مستمر و دائمی است. طبع آدمی برای بقا نیازمند شادی است و همچنین شرط زیستن در اجتماع، دارا بودن این حق را اقتضا می‌کند؛ این کرامت هنگامی فراهم می‌شود که دغدغه‌ها از همهٔ جوانب زندگی رخت بربندد و آدمی به احساس شادی برسد. به‌عبارت دیگر، زندگی باکرامت باید از سیطرهٔ افکار منفی و ارزش‌گذاری منفی دربارهٔ آینده زندگی عاری باشد.

همچنین، ارتقا و تعالی فطرت و طبیعت انسانی انسان در گرو داشتن زندگی شاد و خشنودی از امور زندگی است. نادیده‌انگاری حق شادی در حقیقت نادیده گرفتن طبیعت زندگی شاد انسان و انکار اقتضائات و ضرورت زندگی انسان به‌عنوان یک موجود خوشبخت و منتهی به نقض انسانیت انسان است. بر این اساس شادی به عنوان یک حق طبیعی (در برابر حق وضعی) برای افراد بیان می‌شود که برای دستیابی به آن باید برنامه‌ریزی و تلاش کرد که امری قابل حصول و دستیابی است (سلیگمن: ۱۳۹۹: ۳۳۶).

نویسندهٔ دیگری رابطهٔ میان حقوق طبیعی (در برابر حقوق وضعی) و شادی را بدین‌گونه توضیح می دهد: «از آنجا که خالق یک موجود است، نه‌تنها از قدرت و خردی بی‌پایان برخوردار است، بلکه دارای خیر بیکران نیز است، وی بدین‌گونه خرسند بوده که وضعیت بشریت را به‌گونه‌ای تعیین کند که نباید هیچ فرد دیگری راجع به حق شادی تصمیم‌گیر باشد. خداوند به‌طور ذاتی و به‌طور لایتجزا، قواعد عدالت ابدی را چنان با شادی هر فرد پیوند داده، که شادی فرد، بدون رعایت قواعد عدالت ابدی حاصل نمی شود. و چنانچه، قواعد عدالت ابدی به‌دقت رعایت شوند، می‌توانند موجب تحقق خوشبختی شوند. در نتیجه پیوند متقابل عدالت و خوشی انسان، خداوند، قانون طبیعت را با بسیاری از قواعد و احکام انتزاعی تلفیق نکرده است» (Ford, 1951: 126).

---

۱. اسلامی، رضا، مصاحبه با روزنامه همشهری، شادی کردن حفظ کرامت انسانی است، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۱

2. Bayertz K

در مقابل عده‌ای معتقد بودند شادی اغلب به‌عنوان غایت یا هدف دولت تلقی می‌شود و نه حق طبیعی. البته بسیاری از اندیشمندان از جمله جان لاک، جیمز اوتیس، جیمز ویلسون و برخی دیگر، تفاوت میان یک «غایت» و یک «حق» را حفظ می‌کنند و میان این دو، تفاوت می‌نهند. طبق دیدگاه لاک، مردم، برخی از حقوق و آزادی‌های طبیعی خود را صرف‌نظر کردند تا از منافع حاصل از جامعه که شامل خوشبختی است، بهره‌مند شوند. از دیدگاه لاک، خوشبختی حق طبیعی نیست، بلکه هدفی است که مردم به‌خاطر آن به جامعه پیوستند. جست‌وجوی شادی، سبب شد تا مردم خواستار جامعهٔ سیاسی باشند، یک قرارداد اجتماعی منعقد کنند و از برخی حقوق خود صرف‌نظر کنند تا در مقابل بتوانند از منافع جامعه بهره ببرند (schwart, 2009: 85).

واتل نیز، به نقل از بورلاماکی و ویلسون، خوشبختی را به‌عنوان هدف دولت در نظر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، هدف یا مقصود جامعهٔ مدنی این است که نیازهای ضروری، آسایش و لذت‌های زندگی را برای شهروندان خود فراهم کند و به‌طور کلی خوشبختی آنان را تأمین کند؛ برای هر شهروند، بهره‌مندی مسالمت‌آمیز از اموال وی را فراهم سازد و ابزارهای مطمئن برای دستیابی به عدالت را فراهم کند و در نهایت تمام جسم فرد را در برابر تمامی خشونت‌های بیرونی محافظت کند (Vattel, 1844: 10).

ویلسون نیز شادی را حق طبیعی نمی‌دانست، لیکن خوشبختی را انگیزهٔ محرکی تلقی می‌کرد که افراد را به این سمت سوق می‌دهد که از آزادی‌های طبیعی صرف‌نظر کنند، بدین‌منظور که به یک حالت اجتماعیِ مقید به قانون بپیوندند (Diestelow, 2021: 9)، از آنجا که اصل فایده‌گرایی براساس اهداف دولت سنجیده و ارزیابی می‌شود (Charles, 2011: 487)، برخی دیدگاه‌ها تحت عنوان «فایده‌گرایی»[1]، همچون فلسفهٔ اپیکوری، اصول خود را بر پایهٔ تولید «بیشترین شادی» و کاستن رنج برای موضوعات قانونی یعنی شهروندان قرار داده‌اند؛ ایده‌ای که همهٔ اقدام‌های انسانی را به ضرورت، معطوف به خوشبختی حداکثری اکثریت افراد قرار می‌دهد. از نظر بنتام، «سیاست درست همان چیزی است که بیشترین خوشبختی را برای بیشترین تعداد از افراد جامعه فراهم کند» (will, 2002: 9). به این معنا که هر قانونگذاری، سیاستمداری و مجری قانون، بیشترین شادی را برای بیشترین مردم پدید آورد، راه درستی در پیش گرفته است.

از نظر جان استوارت میل نیز خوشی و شادی بشر باید بر مبنا و بنیان اخلاق باشد و جامعهٔ اخلاقی ایده‌آل او نیز، جامعه‌ای است که همه مردم، خوشحال و شاد و با احساس به‌روزی به‌سر برند و همگان از رنج، اضطراب و استرس رها باشند» (Mill, 2001: 59). در صورت‌بندی او، «اگر کاری موجب شادی ما شود، خوب و اگر سبب رنج و درد ما شود، بد است؛ خوشبختی، یعنی شادی و لذت و نبود رنج، و بدبختی یعنی رنج و درد و محرومیت از لذت» (Mill, 1977: 715).

---

1. Utilitarianism

بر همین اساس، می‌توان در مجموع، بنیان فلسفی حق بر شادی را در سه رویکرد «کرامت»، «طبیعت» و «اخلاق» مبتنی دانست که همچنان‌که گذشت، براساس هریک از این مبانی، اقتضائات متعدد و گاه ناهمسو در پیگیری شادی از رهگذر حکمرانی توسعه‌محور، پدید خواهد آمد.

## ۳. ۱. حق بر شادی در اعلامیه‌های استقلال و قوانین اساسی کشورهای مختلف، رویهٔ قضایی دادگاه‌های ملی و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی

حق بر شادی مبتنی بر مبانی فلسفی و رویکردهای گوناگون، در اسناد متعددی نیز تبلور داشته است. توضیح اینکه کشورها سعی داشته‌اند این حق جوهری را به شکل هنجارهای متعددی در قالب اعلامیه‌های استقلال، قانون اساسی و یا قطعنامه‌های مختلف مورد حمایت قرار دهند، همچنان‌که رویهٔ قضایی نیز در این زمینه به حمایت رویه‌ای و توسعهٔ فهم از حق بر شادی کمک شایانی کرده است. در ذیل به‌تفصیل، قالب‌های شناسایی و حمایت از حق شادی به‌صورت موردی بررسی خواهد شد.

### ۳. ۱. ۱. حق بر شادی در اعلامیه‌های استقلال

مورخان و اذهان حقوقی در خصوص ظهور مفهوم حق بر جست‌وجوی شادی در اعلامیهٔ استقلال آمریکا بسیار گفت‌وگو کرده‌اند؛ بیشتر نویسندگان، حقوق غیرقابل سلب ذکرشده در اعلامیهٔ استقلال آمریکا را برگرفته از دومین رسالهٔ جان لاک می‌دانند که از حیات، آزادی و مالکیت به‌عنوان حقوق سلب‌نشدنی یاد کرده بود و نویسندگان اعلامیه با حذف «حق مالکیت» و جایگزینی «حق بر پیگیری شادی» اقدام کردند (conklin, 2015: 198).

در اعلامیهٔ استقلال ایالات متحدهٔ آمریکا، نویسندگان اعلامیه، حق حیات، آزادی و پیگیری شادی را جزء حقوق غیرقابل سلب و غیرقابل انتقال همهٔ مردان اعلام، و اعتقاد خود را به حقوق طبیعی ابراز می‌دارند. ضمن حمایت از حقوق طبیعی انسان‌ها که هیچ‌کس حق سلب آنها را ندارد، به مفهوم توافق بین حاکمان و مردم در امر حکومت اشاره کرده و حتی حق سرنگونی و تغییر حکومت را نیز برای مردم شناسایی کرده تا درصورتی‌که حکومتی از برآورده کردن این حقوق منحرف شود، مردم حق تغییر آن و تشکیل حکومت دیگری را با سازماندهی شیوهٔ مناسبی داشته باشند، به‌گونه‌ای که برای همگان حداکثر امنیت شادی را فراهم آورند. همچنین در اعلامیهٔ استقلال هائیتی[1]، اعلامیهٔ استقلال ونزوئلا[2]، اعلامیه استقلال جمهوری دموکراتیک ویتنام[3] و اعلامیهٔ استقلال لیبریا[4]، حق شادی بیان شده است.

1. The Haitian Declaration of Independence( January 1.1804)
2. The Venezuela Declaration of Independence ( july 5.1811)
3. The Declaration of Independence of Democratic Republic of Vietnam( September 2.1945)
4. The Declaration of Independence of Liberia( july 16 .1847)

### ۳. ۱. ۲. حق بر شادی در قوانین اساسی

در قوانین اساسی، قانون اساسی ۱۷۹۳ فرانسه، در مقدمهٔ خود، هدف سیاست عمومی کشور را شادی عموم مقرر کرد. اصل ۱۳ قانون اساسی ژاپن ۱۹۴۶ نیز مقرر کرده است: «کلیهٔ مردم به عنوان افراد جامعه مورد احترام می‌باشند. در امر قانونگذاری و سایر امور حکومتی، حق حیات، آزادی و شادی تا حدی که مخل رفاه عمومی نباشد مورد توجه کامل خواهد بود[1]».

در اصل ۱۰ قانون اساسی کرهٔ جنوبی ۱۹۴۸ نیز آمده است: «تمامی شهروندان از ارزش و منزلت انسانی برخوردار بوده و حق دارند به‌دنبال شادکامی باشند. وظیفهٔ دولت است که حقوق انسانی بنیادی و غیرقابل تعرض افراد را تضمین نماید[2]». در بند ۱۳ اصل ۲ قانون اساسی فیلیپین نیز قید شده است: «برای ارتقا و حمایت از سلامت جسمی، اخلاقی، معنوی، فکری و نشاط اجتماعی جوانان، نقش حیاتی آنان (جوانان) را در ساختن کشور به رسمیت شناسند و مشارکت آنها در امور عمومی و مدنی را تشویق کند».

کشور کوچک بوتان با قید کردن رشد ملی شادی در بند ۲ اصل ۹ قانون اساسی در سال ۲۰۰۸ به این مهم توجه کرده است. نرخ شادی ملی در این کشور براساس چهار اصل قابل درک است:

- توسعهٔ پایدار اقتصادی؛
- حفاظت از ارزش‌های فرهنگی؛
- حفاظت از محیط طبیعی؛
- و حکومت کارامد[3].

دو کشور اکوادر و بولیوی نیز مفهوم buen vivir را در قانون اساسی خود وارد کرده‌اند که نزدیکی زیادی به مفهوم شادی و خوشبختی دارد (Norren, 2017: 540) و آن را به معنای «زندگی خوب» ترجمه کرده‌اند. در قانون اساسی اکوادر برای این مفهوم، نه هدف ذکر شده است؛ مانند حق تغذیه، بهداشت، آموزش و آب که به‌شدت یادآور سه نسل حقوق بشر است و از پایه‌های اساسی این مفهوم، کرامت، آزادی و توسعهٔ عزت جمعی و زندگی هماهنگ با دیگران و با طبیعت و محکوم کردن بهره‌برداری بیش‌ازحد از منابع طبیعی است (Fatheuer, 2011: 19).

1. (Peoples) right to life liberty and the pursuit of happiness shall to the extent that it does not interfere with the public welfare be the supreme consideration in legislation and other government affairs.
2. All citizens shall be assured of human dignity and worth and have the right to pursue happiness .IT shall be the duty of the state to confirm and guarantee the fundamental and inviolable human rights of individuals.
3. Article 9: principle of state policy 2. The state shall strive to promote those conditions that will enable the pursuit of Gross National Happiness.

### ۳. ۱. ۳. حق بر شادی در رویهٔ قضایی دادگاه‌های ملی

پرونده‌های قضایی زیادی در زمینهٔ نقض پیگیری حق شادی در کشورهای مختلف تشکیل شده است[1] که در زیر یکی از مهم‌ترین آنها که در رابطه با آموزش و شادی است، ذکر می‌شود.

«یکی از مشهورترین آرای دادگاه عالی ایالات متحدهٔ آمریکا در این خصوص، رأی صادرشده در پروندهٔ آقای رابرت مایر در سال ۱۹۲۳ است. در این زمینه دیوان عالی ایالات متحده ضمن صدور رأی، در زمانی‌که حمایت از حق بر آزادی را در اصلاحیه چهاردهم تفسیر نمود، حق بر جستجوی شادی را در سطح ملی به رسمیت شناخت. قانونگذاران ایالت نبرسکا قانون سایمن را یک سال بعد از پایان جنگ جهانی اول، در نهم آوریل ۱۹۱۹ وضع کردند؛ درست زمانی که اروپا شاهد درگیری و آشوب بود و آمریکای مرکزی تعداد زیادی از مهاجران اروپایی را به خود جلب کرده بود و ترس از اینکه این جریان مهاجران، آشوب را به آمریکا برسانند، به اوج خود رسیده بود. فحوای این قانون چنین بود که تدریس هر درس، به زبانی غیر از زبان انگلیسی به هر شخصی در هر مدرسهٔ عمومی، محلی، فرقه‌ای، خصوصی ممنوع است. نبرسکا تنها ایالتی نبود که محدودیت تدریس منحصر به زبان انگلیسی را داشت. اوهایو در ایالت پوهی و آیوا در ایالت بارتلز نیز قوانین مشابهی داشتند.

در ۲۵ ماه می ۱۹۲۰ آقای رُبرت مایر به‌عنوان آموزگار مدرسهٔ زئون همپتون، به نقض قانون سایمن متهم شد و دادگاه نیز به‌سبب سرپیچی از قانون سایمن، او را محکوم کرد. آقای مایر داستان‌های یک انجیل آلمانی را به یک دانش‌آموز ده‌ساله تدریس می‌کرد. مایر ادعا کرد که ایشان به بچه در طول ساعات مدرسه درس نداده بود. به هر حال دادگاه مایر را به پرداخت جریمهٔ ۲۵ دلاری محکوم کرد. روبرت مایر، دادخواست تجدیدنظر را در خصوص مطابقت قانون نبراسکا با قانون اساسی به دیوان عالی ایالات متحده تقدیم کرد، دیوان عالی با صدور ۷ رأی موافق در مقابل ۲ رأی مخالف، به نفع مایر رأی داد. قاضی مک رینولدز، که موافق اکثریت بود بیان کرد که برخورداری از شغل، یادگیری و کسب دانش موجب برخورداری فرد از حق جست‌وجوی شادی می‌شود و آقای مایر نیز در حال انجام امور شغلی خود بوده و از آزادی‌های فکری خود بهره می‌برده است و با این کار، در جست‌وجوی شادی خویش بوده است[2].»

### ۳. ۲. حق بر شادی در اسناد و قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی

حق بر شادی در هیچ‌یک از اسناد حقوق بشری به‌صراحت بیان نشده، بلکه به‌طور ضمنی در قالب سایر حقوق مطرح شده است؛ از جمله کنوانسیون سِنِکا فالز (۱۸۴۸) که اولین کنوانسیون در خصوص حقوق

1. See: Loving v. Virginia.388.us.1. Supreme court of united states.june12.1967
   Billiard Hall case . 92 heonma80 ( Korean constitutional court. May 13.1993)
2. Meyer.v. state of Nebraska/ legal information Institute .web .Dec 2015.avalaible at www.law.cornell.edu/ supremecourt/text /262/390

زنان در نیویورک است، به انتقاد از مقدمهٔ اعلامیهٔ استقلال آمریکا[۱]، آزادی و پیگیری شادی را به‌عنوان حقوق غیرقابل سلب دانسته که به جنس مشترک زن و مرد اختصاص داده شده است.

از میان اسنادی که بعد از اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر به تصویب رسیده‌اند، فقط در مقدمهٔ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ به شادی کودکان در محیط خانواده توجه شده است؛ با تشخیص اینکه کودک برای رشد کامل و متعادل شخصیتی خود می‌بایست در محیط خانواده و در فضایی مملو از شادی، محبت و تفاهم بزرگ شود.

در سال ۲۰۱۱، مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که شادی را هدف بنیادی- انسانی می‌شناسد و خواستار رویکردی فراگیر، عادلانه و متعادل در رشد اقتصادی می‌شود که شادی همهٔ مردم را ارتقا می‌بخشد.[۲]

پیرو قطعنامهٔ مذکور در سال ۲۰۱۲ اولین کنفرانس سازمان ملل در مورد شادی برگزار شد و مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کرد که طبق آن روز جهانی شادی هر ساله در ۲۰ مارس برگزار می‌شود.[۳] این جلسه به ابتکار کشور بوتان، کشوری که برتری شادی ملی را نسبت به درآمد ملی از اوایل دههٔ ۱۹۷۰ به رسمیت شناخت، تشکیل شد.[۴] اولین گزارش جهانی شادی نیز در آوریل ۲۰۱۲ توسط مؤسسهٔ زمین منتشر شد.[۵] از آن زمان به بعد، گزارش جهانی سالانه به استثنای سال ۲۰۱۴ توسط شبکهٔ راهکارهای توسعهٔ پایدار سازمان ملل منتشر می‌شود.[۶]

از ماه مه ۲۰۱۱ نیز، سازمان همکاری و توسعهٔ اقتصادی پیشنهاد داده که از شاخص «زندگی بهتر» برای حمایت از سیاستگذاری‌ها در جهت ارتقای کیفیت زندگی و شادی و خوشبختی افراد پشتیبانی می‌کند و در این خصوص، یازده شاخص را پیشنهاد داده است: مسکن، درآمد، شغل، جامعه، آموزش، محیط زیست، تعامل مدنی، بهداشت، رضایت از زندگی، ایمنی و تعادل کار و زندگی[۷].

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) معتقد است که برای شادی، خوشبختی و رفاه انسان‌ها، «آموزش» و «کار» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و کیفیت آموزش شرط اساسی در فراهم کردن مهارت و دانش برای دستیابی به مشاغل مناسب، و توانمندسازی آنها برای شکل‌گیری

---

۱. در اعلامیهٔ استقلال آمریکا ذکر شده بود همهٔ مردان برابر خلق شده‌اند و از حق حیات، آزادی و پیگیری شادی برخوردارند.

2. Resolution adopted by the General Assembly on 19 July 2011: Towards a Holistic Approach to Development. https//www.un.org/ga/search/view_dee.asp?symbol_A/RES/65/309
3. Resolution adoption by the General Assembly on 28 June 2012.International Day of Happiness66/281.Available at https://www.un.org/ga/search/View/docasp/66/281
4. https://www.un.org/development/desa/dspd/international _day_of_happiness.htm
5. https://worldhappiness.report/ed/23012
6. https://worldhappiness.report/ed/2021.preample.p1
7. http:// www. Oecdbetterlifeindex.org/.

آیندهٔ بهتر است. همچنین یونسکو دسترسی جهانی به آموزش با کیفیت و آزادی بیان را به‌عنوان شاخصی برای سنجش شادکامی یک جامعه پیشنهاد داده است.[1]

سازمان بین‌المللی کار نیز بر اهمیت امنیت اقتصادی در جهت شادی و خوشبختی و تحمل شخصی افراد تأکید کرده است. در گزارشی که سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۴) با عنوان «امنیت اقتصادی برای جهانی بهتر»[2] ارائه داده، این نتیجه مورد اهتمام بوده است که «امنیت اقتصادی و شادی رابطهٔ مستقیم دارند»؛ به این رمزگشایی که در کشورهایی که سطح امنیت اقتصادی بالایی را در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهند، به‌طور متوسط سطح خوشبختی بالاتری وجود دارد».

در این برداشت، مهم‌ترین عامل تعیین‌کنندهٔ خوشبختی ملی، سطح درآمد معرفی نشده است، بلکه عامل اصلی میزان «امنیت درآمد» است. این در حالی است که امنیت اقتصادی برای اکثر قریب به اتفاق کارگران جهان، دور از دسترس است و حدود سه‌چهارم آنها در شرایط ناامنی اقتصادی زندگی می‌کنند و آنچه را که جهانی پر از اضطراب و عصبانیت نامیده می‌شود، فراهم می‌آورد.[3]

نهاد سازمان ملل برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان (UN-women) نیز بر اقدام‌های مرتبط با شادی از بعد جنسیت تمرکز کرده است؛ این سازمان چندین شاخص محوری برای تولید و توسعهٔ شادی در جامعه توصیه می‌کند؛ از جمله:

- در چارچوب امنیت بدنی و جسمی، محورهای زیر را مورد توجه قرار داده است: نسبت زنان بالای ۱۵ سال که توسط شریک زندگی صمیمی و افراد دیگر در معرض خشونت جسمی یا جنسی قرار دارند، شیوع آزار و اذیت جنسی در محیط کار، شیوع و گسترش ختنهٔ زنان، میزان قتل؛
- در چارچوب امنیت اقتصادی، نیز شاخص‌های پیشنهادی برای شادی زنان عبارت‌اند از: نسبت زنان به مردانی که در خانواده‌های فقیر ساکن هستند، مشارکت نیروی کار، نرخ بیکاری زنان، درصد بنگاه‌های متعلق به زنان، شکاف جنسیتی در دستمزدها؛
- شاخص‌های حوزهٔ سلامتی زنان نیز شامل موارد زیر است: نسبت مرگ‌ومیر مادران، نسبت زایمان‌های مادران توسط شخص متخصص و ماهر، میزان باروری در بزرگسالان، شیوع پیشگیری از بارداری در زنان، قانونی بودن سقط‌جنین، و درصد افرادی که وضعیت بهداشتی نامناسبی را گزارش می‌کنند؛

1. Happiness: towards a holistic approach to development.p11 https://unstats.un.org/unsd/broaderprogress/pdf/Happiness%20towards%20a%20holistic%20approach%20to%20development%20(A-67-697).pdf
2. Economic Security strengthens tolerance and happiness as well as growth and development . https :// www.ilo.org/ about_ the_ ilo / newsroom/ news/ wcms_ 005218/lang_en/index.htm
3. www.ilo.int/global/about_ the_ilo /newsroom/news/wcms (Economic Security strengthens tolerance and happiness as well as growth and development

- همچنین چندین شاخص در مورد حاکمیت و پاسخگویی پیشنهاد شده است: از جمله پیروی از قوانین غیرتبعیض‌آمیز و شاخص‌ها در عرصهٔ نظرها در مورد نقش زنان می‌توان به مشارکت زنان در تلاش برای پایداری محیط زیست اشاره کرد.

این سازمان، در پایان اذعان کرده است زنان در کشورهایی که از حقوق برابر با مردان برخوردارند، سطح نسبتاً بالاتری از شادی و خوشبختی داشته‌اند.[1]

شورای جهانی شادی[2] نیز یک شبکهٔ جهانی جدید از متخصصان برجستهٔ دانشگاهی در زمینه‌هایی همچون روان‌شناسی، اقتصاد، برنامه‌ریزی شهری و نمایندگان دولت‌هاست. این شورا، توصیه‌ها و اقدام‌هایی را در سطوح ملی و محلی برای دولت‌های شرکت‌کننده در مورد بهترین شیوه‌ها برای ترویج شادی ارائه می‌دهد.

## ۴. نسبت حق بر شادی و اهداف توسعهٔ پایدار[3]

با پایان یافتن بازهٔ زمانی پانزده‌سالهٔ اهداف توسعهٔ هزاره (۲۰۱۵-۲۰۰۰)، برنامهٔ توسعه‌ای با مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی تحت هدایت سازمان ملل (موسوم به برنامهٔ سند ۲۰۳۰)، مشتمل بر ۱۷ هدف کلی و ۱۶۹ هدف جزئی و۲۳۰ شاخص برای سال‌های۲۰۳۰-۲۰۱۵ تصویب شد. فرضیهٔ راقم سطور، بهره‌گیری از اهداف توسعهٔ پایدار به‌عنوان الگویی جامع برای نیل به «شادی به‌عنوان یک حق» است.

تئوری‌های شادیِ پیش از سال ۲۰۰۰، بر یک یا چند بعد گوناگون برای تحقق شادی تأکید داشتند؛ بدین‌توضیح که رفاه و مصرف بیشتر، آزادی شخصی، اثرگذاری سرمایهٔ اجتماعی، ارزش‌ها و اخلاقیات، و کار قابل احترام به‌ترتیب مورد تأکید و توجه اقتصاددانان، لیبرال‌ها، کمونیست‌ها، بودیست‌ها و کالوینیست‌ها بوده است (sachs, 2016: 58). اما فقدان جامعیت و کل‌نگری در این نظریات، سبب عدم توفیق شد؛ چه شادی، موضوعی چندبعدی است (Stance & veenhoven, 2014: 1) که برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یکدیگر قرار گیرند. جامعیت اهداف توسعهٔ پایدار در راستای اهداف این برنامه- «مردم[4]، کرهٔ زمین[5] و سعادت بشری[6] و صلح[7]» است[8] که حوزه‌های اصلی فعالیت در

1. Bringing some happiness.Available at https://www.unwomen.org/en/new/2013/3/women-ushering-happiness-and-change
2. Global Happiness Council
3. Sustainable Development Goals (sdg)
4. People
5. Planet
6. Prosperity
7. Peace
8. Transforming our world : The 2030 agenda for sustainable development . preamble .p5.pdf. available https:// sustainabledevelopment.un.org/ content

پانزده سال آینده خواهند بود. بر همین منوال، تمایز برنامهٔ ۲۰۳۰ از اهداف توسعه هزاره، نخست از حیث کامل بودن «نحوهٔ بیان» و «گسترهٔ موضوعات» در محدوده نیازهای بشری، استاندارد زندگی، کیفیت زندگی، خوشبختی بشر، و دیگری از جهت تدوین اهداف جزئی در کنار بیان کلیات است؛ برای مثال درحالی‌که هدف اول توسعهٔ هزاره، کاهش گرسنگی است[1] (همراه با سکوت در مورد امنیت غذایی)، اهداف توسعهٔ پایدار، ورود بیشتری برای مقابله با سوءتغذیه و درک ارتباط بین تأمین مواد غذایی مناسب و سلامتی و رشد اولیهٔ کودک داشته است.

اهداف توسعهٔ پایدار، تمام بشریت را مدنظر قرار داده است؛ چنانکه در مقدمهٔ برنامهٔ اهداف توسعهٔ پایدار نیز بیان شده است: «از هیچ‌کس نباید غفلت شود»[2]. در همین زمینه می‌توان به هدف پنجم آن اشاره کرد که در آن به برابری جنسیتی اشاره می‌کند. در واقع زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، نیمی از جمعیت که اگر به آنها توجه نشود، یا به‌آسانی از حقوق آنها گذشت و امور آنها را بی‌اهمیت تلقی کرد، چشم‌انداز فردای جامعه، رنگ خوشبختی و شادی را نخواهد دید. به‌عبارت دیگر تحقق کامل موضوع شادی به‌مثابهٔ یک حق، منوط به شادی تمام جمعیت یک کشور است. بر همین اساس، غفلت از جمعیت قابلی چون زنان، دسترسی به شادی برای آن جامعه را ممتنع خواهد ساخت؛ به‌طوری‌که در بند ۱۸ دستور کار نیز بیان شده است که: «این اهداف توسعهٔ پایدار با در نظر انگاشتن مصلحت کامل تمامی انسان‌ها اجرا خواهد شد».

حق بر شادی بهترین شکل ممکن از وابستگی متقابل تمامی مصادیق حقوق بشری به یکدیگر و پیوند حق بر شادی با نسل‌های سه‌گانهٔ حقوق بشر را به نمایش می‌گذارد؛ چه آنکه این حالت ذهنی با تمام جنبه‌های زندگی افراد؛ از جمله مسکن خوب و مناسب، کار شایسته، مشارکت مردم، امنیت فردی، آزادی بیان، حق انتخاب، آموزش و پرورش (نسل اول)، تأمین اجتماعی (نسل دوم) و محیط زیست پاک و سالم (نسل سوم) در ترابط قرار دارد. مقدمهٔ سند اهداف توسعهٔ پایدار نیز بیان کرده است: «این اهداف درصدد تحقق اجرای حقوق بشر برای تمامی انسان‌هاست»[3]. بر این اساس، می‌توان گفت تقریباً همه چیز در این اهداف توسعهٔ پایدار، دربارهٔ حقوق بشر است. دو راهبرد «استناد به عهدنامه‌ها» و «فراخوانی همکاری‌های بین‌المللی مربوط به وظایف و حق توسعه» در هدف ۱۷ و بسیاری از اهداف بین‌المللی، نشان از پیوند حقوق بشر و توسعهٔ پایدار دارد؛ به‌گونه‌ای که اهداف توسعهٔ پایدار می‌توانند به‌عنوان یک نقشهٔ راه و برنامهٔ عملیاتی برای تحقق حق شادی در نظر گرفته شوند. به هر روی، رابطهٔ شادی و اهداف

1.The Millennium Development Goals Report 2015. at https:// www.un.org/ millennium goals/2015-MDG

2. leave no one behind

3. Transforming our world: The 2030 Agenda for sustainable Development. Resolution Adopted by the General Assembly on 25 september 2015. A/RES/70/1.21 October 2015

توسعهٔ پایدار یک رابطهٔ تعامل و تعاطی دوسویه است که تأثیر و تأثر شدیدی بر یکدیگر دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که اهداف توسعهٔ پایدار در تحقق شادی نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ به‌عبارت دیگر اهداف توسعهٔ پایدار، وعدهٔ افزایش شادی را می‌دهند (sachs, 2019: 5) و در پی زنده ساختن امید در افراد برای ده‌های آینده هستند.[1] امید، مفهومی متوجه آینده است؛ امید به آیندهٔ روشن موجب برخورداری از زندگی شاد و مطلوب برای افراد می‌شود «درحالی‌که چشم‌اندازی تیره و تار از آینده، برای افراد استرس‌زاست» (Veenhoven, 2015: 205).

اهداف توسعهٔ پایدار موجبات امید را از طریق پایان دادن به فقر، محافظت از سیارهٔ زمین و دستیابی به برابری جنسیتی را مدنظر قرار داده‌اند. تدوین‌کنندگان تصویری از دنیای صلح‌آمیز و پایدار را ترسیم می‌کنند که در آن همهٔ مردم، امکان زیست سالم و با عزت و کرامت داشته باشند. به هر روی، نکتهٔ اصلی هفده هدف توسعهٔ پایدار تضمین زندگی آرام، خوشبخت، شاد و بدون دغدغهٔ خاطر بین مردم زمین با دو خصیصهٔ اساسیِ «جامع» و «بلندپروازانه» است.[2]

## ۴. ۱. حق بر شادی و توسعهٔ اجتماعی

توسعهٔ اجتماعی فرایندی از تغییرات است که به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها منجر می‌شود (اسلامی و لاهیجی، ۱۳۹۴: ۲۱۴) و طبق آخرین تعریف سازمان ملل، توسعهٔ اجتماعی منتج به «شادی» می‌شود.[3]

«کیفیت زندگی» را می‌توان بهترین عامل یا معرف شادی در جامعه عنوان کرد؛ توجه به ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی توسعهٔ پایدار، گویای رفع «با کیفیت» نیازهای اساسی فرد در زندگی و رهنمون به رویکرد جامع «زندگی باکیفیت» است.

مسئله‌ای که در هدف چهارم توسعه (کیفیت آموزش)، رأساً مورد تأکید قرار گرفته و سایر اهداف توسعهٔ پایدار نیز به‌خودی‌خود، عنایت به کیفیت زندگی دارند؛ برای نمونه، ده هدف اول توسعهٔ پایدار که بر نیازهای اجتماعی و بعد اقتصادی تأکید می‌کند، اغلب با یک صفت کیفی همراهند؛ مانند دسترسی به امنیت غذایی و خوراک سالم و مغذی، زندگی توأم با سلامت، دستیابی به تساوی جنسیتی و زنان و دختران توانمند در همهٔ سطوح، تهیهٔ آب آشامیدنی سالم و پاکیزه، دسترسی به انرژی مقرون به‌صرفه، مطمئن، نوین و پایدار، اشتغال مناسب و شایسته، زیستگاه انسانی مقاوم و پایدار.

کیفیت زندگی از منظر کیفیت حکمرانی نیز در وضعیت شادی اهمیت شایانی دارد؛ هدف شانزدهم

1. See: The Sustainable Development Goals Report 2019.United Nations, NewYork. Available at: https:// unstats.un.org/sdg/report/2019/The_ sustainable_Development_Goals_Report_2019_pdf
2. https://www.oecd.org/development/sustainable-development-goals.htm( OECD and the Sustainable Development Goals: Delivering on universal goals and targets
3. United nations research institute for social development (2016)

نیز بر کیفیت حکمرانی خوب با موضوع بهبود کیفیت دولت تأکید می‌کند. حکمرانی خوب به مجموعه‌ای از خصوصیات کیفی مربوط به فرایندهای حاکمیت و پایه‌های نهادی آنها اشاره دارد و مشتمل بر افزایش مشارکت، شفافیت، پاسخگویی و دسترسی عمومی به اطلاعات است. همچنین به مبارزه با فساد و تأمین حقوق اساسی بشر و حاکمیت قانون نیز نظر دارد (Bierman, 2015: 2). اهداف توسعهٔ پایدار با شادی قرابت معنایی زیادی دارند؛ چه در اهداف توسعهٔ پایدار، از یک سو به انسان، و انسانی که تحت لوای کیفیت زندگی به حیات خویش ادامه دهد توجه شده است؛ امری که در شادی مورد داوری و ارزیابی (کیفیت زندگی) افراد قرار می‌گیرد و کلید فهم میان شادی و ناشادی کشورهای مختلف است و از سوی دیگر، در اهداف توسعهٔ پایدار، کل امور زندگی نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است. در سویهٔ روبه‌رو نیز متعلق شادی، کل زندگی بوده و نگاه تک‌علتی به آن مردود است.

این پارادایم و انتاج آن به تحقق حق بر شادی، تحت تأثیر گسترهٔ عظیمی از عوامل است؛ شاخص توسعهٔ اجتماعی ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی افراد یک جامعه از رهگذر فراهم آمدن شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است که باید از استانداردها و معیارهای لازم برخوردار باشند. در حقیقت، سرمایه‌گذاری در مردم از طریق رفع فقر، تحقق امنیت غذایی، افزایش سطح آموزش و بهداشت، به‌منظور دسترسی به زندگی طولانی و سالم و اطلاعات و دانش و ایجاد بسترهای مناسب برای دستیابی مناسب برای رشد خلاقیت‌ها به توسعهٔ بالاتر کشورها منجر می‌شود و به‌طور مستقیم شادکامی را به ارمغان می‌آورد. در حقیقت، جامعهٔ شاد، جامعه‌ای است که افراد گرفتار تکرار مکررات، افول خلاقیت و اهداف و عدم اعتمادبه‌نفس نمی‌شوند و سبب می‌شود که افراد هویت خود را کشف کرده و جامعهٔ اندیشه‌ورز را تربیت کنند.

## ۴. ۲. حق بر شادی و سلامت اجتماعی

پارادایم بعدی در مسئلهٔ حق بر شادی در پرتو اهداف توسعهٔ پایدار، «سلامت اجتماعی»[1] است که رویکرد سوم سلامت اجتماعی است[2] و با شاخص‌های عمل به قانون، برابری، دسترسی عمومی به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری بیان می‌شود (آرانی، ۱۳۹۰: ۷).

سلامت اجتماعی جامعه جنبهٔ پزشکی و دارویی ندارد و نمی‌توان بیمارستان ساخت و فکر کرد که جامعهٔ سالم داریم؛ بلکه منظور فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه است (فاضلی، ۱۳۹۳: ۲)؛ این

1. Social Health

۲. سلامت اجتماعی را با سه بعد می‌توان یاد کرد: ۱. سلامت اجتماعی به‌مثابهٔ بعد اجتماعی سلامت فرد که در کنار دو بعد جسمی و روانی سلامت فرد، به رابطهٔ او با جامعه نظر دارد؛ ۲. سلامت اجتماعی به‌مثابهٔ وضعیت اجتماعی بهتر؛ ۳. جامعهٔ سالم به‌مثابهٔ شرایط اجتماعی سلامت‌بخش (آرانی، ۱۳۹۰: ۸).

منظور، درلابه‌لای اهداف هفده‌گانه به‌خصوص هدف شانزدهم به‌صورت صریح ذکر شده است. مانند «اطلاعات شفاف توسط نهادهای مختلف»، «حاکمیت قانون و به‌تبع آن مبارزه با فساد»، «تضمین دسترسی به عدالت برای همه»، «دسترسی عمومی به فرایندهای تصمیم‌گیری نتیجه‌بخش محلی و ملی»، «جامعهٔ عاری از تبعیض‌های جنسیتی، قومیتی، مذهبی و فرهنگی» و «نبود خشونت و صلح». در جامعه‌ای که مؤلفه‌های مذکور اهمیتی برای مسئولانش نداشته باشند، فضای جامعه آلوده می‌شود و مردم در چنین فضایی به شادی به‌مثابهٔ یک حق عمومی دست نخواهند یافت.

### ۴. ۳. حق بر شادی و توسعهٔ اقتصادی

«توسعهٔ اقتصادی» مشتمل بر «درآمد سرانه، تولید ناخالص داخلی و زیرساخت‌های مقاوم و امن و پایدار» است که در اهداف اصلی هفتم، نهم و دوازدهم درج شده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد بین درآمد کشور و شادی همبستگی معناداری وجود دارد (Abdelaty, 2018: 80). اگر هدف سیاست عمومی کشور افزایش درآمد کشور به‌عنوان یک کل باشد، بی‌شک در افزایش شادی مردم تأثیرگذار است. منظور از درآمد کشور، تنوع در منابع درآمدی است؛ توضیح آنکه در کشورهای دارای وابستگی شدید به یک منبع درآمدی، پس از کاهش غیرمنتظرهٔ قیمت محصول، مردم احساس اضطراب و نگرانی در مورد آینده دارند.

### ۴. ۴. حق بر شادی و سبک زندگی پایدار

مورد دیگری از اهداف توسعهٔ پایدار که در روشن شدن مفهوم نظری و عملی «شادی به‌مثابهٔ حق عمومی» نقش انکارناپذیری دارد، «سبک زندگی پایدار» است. در اهداف توسعهٔ پایدار، محیط و جامعهٔ انسانی رابطهٔ مکمل دارند و در این زمینه اهداف ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سبب استفادهٔ معقول و منطقی از محیط زیست، منابع طبیعی و مواد اولیه در حین توسعه است.

سبک زندگی پایدار (به‌عنوان الگوی کنش و مصرف توسط افراد) اقتضای آن دارد که افزون‌بر حفظ کیفیت مطلوب زندگی، بهره‌گیری از منابع طبیعی و تولید ضایعات به حداقل برسد و نسل‌های آتی برای تأمین نیازهایشان در مضیقه قرار نگیرند (Darnton, 2004: 8). این مسئله سبب امید اجتماعی خواهد شد و مردم نسبت به آیندهٔ کشور و تحولات و روند حرکت همه‌جانبه برآورد نسبتاً مثبت و خوش‌بینانه‌ای داشته باشند. بی‌شک نگرانی و بی‌اطمینانی به آنچه رفاه نسل‌های بعدی را تأمین کند، استفاده از منابع تجدیدناپذیر، استفادهٔ بی‌خردانه از منابع، جنگل‌زدایی، از دست رفتن پوشش گیاهی و صدها تغییر فیزیکی و شیمیایی موجب ناشادی و ناراحتی نسل حاضر می‌شود.

انسان، موجودی متأثر از محیط اطراف است و شخصیت انسان در محیط زندگی او شکل می‌یابد. تأثیر محیط زیست بر جسم و روان آدمی را کسی نمی‌تواند نادیده انگارد (تیرل وال، ۱۳۷۸: ۴۹۰). از سوی دیگر

آسیب رساندن به محیط زیست و نابودی محیط زیست، زیان‌های جبران‌ناپذیری را بر بشر وارد می‌آورد. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر شود که تخریب محیط زیست بر شیوهٔ رفتار آدمیان و اخلاق فردی و جمعی جامعه تأثیر منفی بر جای نمی‌گذارد؛ برای مثال آگاهی دربارهٔ یک مشکل زیست‌محیطی محلی و آثار منفی آن بر سلامت انسان و اکوسیستم، می‌تواند در کاهش میزان شادی به‌صورت مستقیم و مستقل عمل کند.

بند ۳ اعلامیهٔ استکهلم با آگاهی از این تأثیر، چنین نوشته است: «در عصر ما، قدرت انسان برای دگرگون‌سازی محیطی که در آن زندگی می‌کند، اگر عاقلانه به‌کار رود، می‌تواند برای همهٔ مردم مزایای توسعه و امکان بهبود کیفیت زندگی را به ارمغان بیاورد و اگر بهره‌برداری از آن با سوءاستفاده یا بی‌توجهی همراه باشد، می‌تواند صدمات بی‌شماری را به افراد بشر و محیط زیست وارد سازد».

## ۵. حق بر شادی و برنامه‌های توسعهٔ ایران

با توجه به اینکه امروزه سطح توسعه‌یافتگی کشورها براساس شادی و خوشبختی افراد سنجیده می‌شود، برنامه‌های توسعه آزمونی است برای کشورها که نشان می‌دهد در رابطهٔ توسعه و شادی چه گام‌های فرخنده‌ای برداشته‌اند. براساس آخرین آمار منتشرشده توسط گزارش جهانی شادی[1]، رتبهٔ ایران در میان ۱۵۶ کشور مورد بررسی، ۱۰۵ بوده است.

شواهد تجربی نیز مثبت فقدان یا کمبود شادکامی است که می‌توان به پاره‌ای از مسائل و آسیب‌های اجتماعی مانند رواج خشم و عصبانیت، پرخاشگری، افزایش طلاق و فزونی پرونده‌های قضایی ارتباط اشاره کرد. با وجود اهمیت موضوع شادی و نشاط و تأثیر آن در برنامه‌های توسعهٔ پایدار و توسعه‌یافتگی یک کشور، در شش برنامهٔ تصویب‌شده، تنها در برنامهٔ چهارم به اهمیت شادی و نشاط توجه شده است؛ در بند «ب» مادهٔ ۹۷ این برنامه، به‌صراحت دولت، مکلف شده است تا به‌منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، طرح جامعی برای بسط و گسترش روحیهٔ نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی اقدام کند.[2]

در طرح تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در افق چشم‌انداز بیست‌سالهٔ جمهوری اسلامی ایران (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی)، نیز در چندین مورد از ایجاد شادی و نشاط در مدارس و تربیت انسان‌های بانشاط سخن رفته است. برابر این سند، سلامت جسمانی، نشاط و تقویت اراده از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی معرفی شده است. همچنین از جمله اهداف کلان این سند «تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و... سالم و بانشاط، قانون‌مدار

1. World Happiness Report 2018. Available at : https: //s3. Amazonaws.com/ happiness _ report/2018/ WHR-web.pdf
2. http://rc.majlis.ir

و نظم‌پذیر» است. همچنین مدرسه در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴جلوه‌ای است از تحقق مراتب حیات طیبه که محیط اخلاقی، علمی، امن، سالم، بانشاط و مهرورز از خصایص آن است. به هر روی، ضرورت موضوعه‌سازی شادی و نگاه توأمان شادی و توسعه در ایران، امری تردیدناپذیر است، ولی تاکنون می‌توان به نبود پیوستار حق بر شادی در مسئلهٔ توسعهٔ ایران اعتراف کرد. امری که مناسب بود، برنامه‌ریزان و مقامات ایرانی به چشم‌انداز بیست‌سالهٔ ایران و برنامه‌های توسعه‌ای پس از آن، به‌عنوان فرصت دودهه‌ای ویژه برای افزایش شادی مردم ایران توجه می‌کردند؛ به‌خصوص اینکه، نگاه به آمار جهانی نشان می‌دهد که ایران، جزو ۲۵ درصد کشورهای آخر جدول است.

## ۶. نتیجه‌گیری

حق بر شادی به‌مثابهٔ یک حق طبیعی زمانی حاصل می‌شود که عوامل مخرب روانی مانند استرس، اضطراب، دغدغه، پریشانی و دلواپسی‌هایی منتج از فقر، گرسنگی، نداشتن امنیت غذایی، بیکاری، شرایط رقت‌بار و طاقت‌فرسای ناشی از کار اجباری، آلودگی‌های محیط زیست، فساد و عدم حاکمیت قانون که خود از عوامل گوناگون ناشی می‌شوند، مانع آرامش روحی و تحقق زندگی ایده‌آل و مطلوب انسان است. اهداف توسعهٔ پایدار مهم‌ترین نقطهٔ عطف در توسعهٔ پایدار است و نتیجه بیشترین همکاری و فراگیرترین روند در تاریخ سازمان ملل متحد است؛ این اهداف، دارای برنامه‌ای فراگیر و چندبعدی و نیز مبتنی بر سه‌گانهٔ شکوفایی اقتصادی و اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی است که با هدف نیل به شادی و خوشبختی تدوین شده‌اند. به‌عبارت دیگر، می‌توان هفده هدف توسعهٔ پایدار را اقدام‌های بلندمدت برای کاهش سطح استرس در جامعه نامید که در صورت پیاده‌سازی و برآورده شدن آنها در برنامه‌های توسعه سرآغاز جهانی زیبا و انسان‌های شاد در سراسر گیتی خواهد شد. بر همین روی می‌توان نسبت شادی به‌مثابهٔ حق و نه آزادی یا یک تقاضای بین‌الافرادی را با هر کدام از مبانی کرامت، طبیعت یا کمال‌گروی حکمرانی، مکمل توسعهٔ پایدار دانست؛ امری که نیازمند اقدام‌های سلبی و ایجابی دولت‌ها و براساس اهداف توسعهٔ پایدار، محتاج برنامهٔ توسعه‌ای و فراهم شدن مقدمات آن در ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه و سبک زندگی است. بر این اساس، فرضیهٔ تحقیق را می‌توان این‌گونه اثبات‌شده دید که اغلب حق بر شادی در تلازم با اهداف توسعهٔ پایدار قرار دارد و لازمهٔ حقیقی این اهداف به‌شمار می‌رود.

## منابع

### ۱. فارسی

### الف) کتاب‌ها


۱. ا.پ. تیرل وال (۱۳۷۸)، *رشد و توسعه*، ترجمهٔ منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲. سلیگمن، مارتین (۱۳۹۹)، *شادمانی درونی*، ترجمهٔ مصطفی تبریزی، رامین کریمی، تهران: دانژه.


### ب) مقالات


۳. اسلامی، رضا؛ لاهیجی، مهشید (۱۳۹۴)، «چالش‌های توسعهٔ اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر»؛ با تأکید بر حق بر آموزش، حق بر بهداشت و رفع فقر، *فصلنامهٔ تحقیقات حقوقی*، ش ۷۴، ص ۲۴۴-۲۱۱.

۴. جاوید، محمدجواد؛ نیک‌نژاد، سامان (۱۳۹۷)، «حق خوشبختی در جبران حقوق طبیعی جانبازان و ایثارگران»، *مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، دورهٔ ۴۸، ش ۱، ص ۶۴-۴۵.

۵. هزارجریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (۱۳۸۹)، «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن مطالعهٔ موردی در استان مرکزی» ، *فصلنامهٔ برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی*، سال دوم، ش ۳، ص ۷۲-۳۱.


### ج) پایان‌نامه‌ها


۶. امینی رارانی، مصطفی (۱۳۸۹)، «بررسی رابطهٔ بین سرمایهٔ اجتماعی و سلامت اجتماعی در ایران»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی.

۷. روحانی اصفهانی، کامران (۱۳۸۸)، «تبیین جایگاه حق برخورداری از سطح مناسب زندگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و مطالعهٔ موردی آن در نظام حقوقی ایران»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

۸. رجبی، اعظم (۱۳۹۲)، «تأثیر تحریم اقتصادی بر برنامه‌های اجتماعی مردم (مطالعه شهر تهران)، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

۹. نیک‌نژاد، سامان (۱۳۹۱)، «مبانی شادکامی در حقوق طبیعی»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.


### د) روزنامه


۱۰. اسلامی، رضا؛ مصاحبه با روزنامهٔ همشهری، شادی کردن حفظ کرامت انسانی است، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۵/۱


### ه) سایت


۱۰. فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۳)، «*شادی به‌مثابهٔ دال مرکزی گفتمان توسعه*»، آنلاین در سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، http://www.ihcs.ac.ir/fa/news/7634

## ۲. انگلیسی

**A) Books**

1. Booth, Philip (2012), .... *and the pursuit of happiness*, The institute of economic affairs.london.
2. Barran, Baroness Diana (2020), *The psychology of loneliness*: *why it matters and what we can*. Connections in older age available at https: //www.campaign to end loneliness.org
3. Diestlow, kevin (2021), *The Republic of Happiness: James Wilson, Political Thought, And The American Revolution*, The college of William and mary ( Williamsburg).
4. Darnton, Andrew (2004), *Driving public Behaviors for sustainable lifestyles.* Report search, from collection europearchieve.org.
5. Fatheuer ,Thomas (2011), *Buen vivir. A brief introduction to latin American new concept s for the good life and the rights of nature*, publish: Heinrich boll foundation.
6. Jurkovic, Ivan (2018 ), *The right to life and human dignity 70th Anniversary of the universal of the universal declaration of human right* .geneva.
7. Murray, Charles (2013), *In Pursuit: of happiness and Good Government*, online library of liberty. Available https:// oll.libertyfund.org/ titles/ in_ pursuit_of_ happiness.
8. Martelos , Frank & Greve, Bent (2020), *The Nordic Exceptionalism*: *What Explains why the Nordic countries are constantly among the happiest in the world*. World happiness report.
9. Mill, John stuart (1977), *Chapters on socialism in collected works*, Vol.5 ( Toronto and Buffalo: university of Toronto press.
10. Mill , John .Staurt (2001), *Utilitarianism*. oxford: oxford university press. 11. Monsieur De Vattel, (1844), *The Law of Nations: or Principle of The law of Nature Applied to the conduct and Affairs*. Published by Philadelphia.
12. Schwart , Howard ( 2009), *Jefferson, Natural Rights, and The Declaration of Independence*: The problem of History in the vision of America.
13. Sachs, Jeffrey (2019), *Global Happiness and Well_being* (policy report 2019), Global council for happiness and well being. dubia.
14. Sacks. Jaffery(2018) , *Global Happiness policy report2018: Good Governance in the 21st century* , Global happiness council.
15. Stiglitz, joseph; sen, Amartya & fitoussi, jean (2008), *Report by the commission on the Measurement of Economic performance and social progress*, Available at www.stiglits_sen_fitoussi.fr.
16. Kymlicka, will (2002), *contemporary political philosophy*, New York: oxford. University press.
17. wiking, Meik ( 2014), The *Happy Danes Exploring the reasons behind the high levels of happiness in Denmark*, The happiness research institute.
18. Wangdi, Kesang (2015), *Sustainable Happiness and Sustainable Development.* International forum on the occasion of UN International day of happiness, At: Rangsit university Thailand.

**B) Articles**

19. Abdelaty, Hanna (2018), "The relationship between Happiness and Economic Development in Ksa ": *study of Jazan Region*, pp.78_88.
20. Antonescu, Madalina Virginia (2014), "The right to happiness" . *International*

*conference European culture of Human Rights*.Bucharest, pp.1-15.
21. Antonescu, Madalina Virgini (2016), "Clothing from subsistence Rights to the category of comfort and well_being rights". Logos universality mentality education novelty. Section: *social science*, Available online http:// lumenjournals.com/ social_ science, pp.7-17.
22. Bayertz , Kurt (1996 ), "Human dignity: philosophical origin and scientific erosion of an idea (translated into English by kirkby sl)", san city of life and human dignity , *Dordrecht ; Kluwer academic publishers*, pp. 73-90.
23. Brown, kirk & kasser Timer (2005), "Are psychological and ecological well_being compatible? The role of values mindfulness and lifestyle", *Social Indicators Research.*74, pp.349-368.
24. Brulde, Bengt (2007), "Happiness Theories of the Good life ", *journal of Happiness studies*, pp.15-49.
25. Conklin, Carli N (2015), "The origins of the pursuit of happiness ", *Washington university jurisprudence review*, Vol.7, Issue 2, pp.195-260
26. Diener, Edward; Scollon, Christie Napa; lucase, Richard (2003),"The evolving concept of subjective well_being: The multifaceted nature of happiness", *Advances in cell Aging and Gerontology*, pp.67-100.
27. Dorine Van Norren (2017), "Gross national happiness, Ubuntu, and Buen vivir and sustainable development goals", *publish: The new environment and the human image*, pp.431-458.
28. Frank, Bierman (2015), casey steven, Integrating "the governance into the sustainable development goals*", policy Brief*.pp.1-4.
29. Groding, joseph (1997)," Rediscovering the state constitutional Right to Happiness and safety", *Hasting constitutional law quaterlynr*, pp.1-34
30. jeon, Miruh & shin, Minhyung (2014), "An analysis of factors influencing individually and socially oriented happiness: The case of seoul", *The Korean ,journal of policy studies*, Vol.29, No.2, pp.43-69.
31. Stance Luca, veenhoven Ruut (2015), "Consumption and happiness": an introduction, *International Review of Economics*, pp.91-99.
32. Sachs, Jeffrey (2016), "Happiness and sustainable Development: Concepts And Evidence", *World Happiness Report*2016, pp.57-65.
33. Kondo, Lais and Morilas Luciana Roman (2018), "The Right to the Pursuit of Happiness and the Right to Access Medical Treatment", *Peace Human Rights Governance*, Vol.2, pp.119-133.
34. Marinica, Elena (2017), "The Right to happiness ,Or The right to pursuit happiness" , *law study valahia university*, Vol xxix, pp. 49-56.
35. Veenhoven, Ruut (1998)," Two_ state Trait Discussion on Happiness", *Social Indicator Research*, pp.211-225.
36.Veenhoven, Ruut (2015)." Hope and Happiness", *The worldbook of Hope publishing*, *Belgium*,pp.204-207.
37. Will, Wilkinson (2007), "In Pursuit Of Happiness Research. Is It Reliable? What Does Imply for policy" *policy Analysis*, April, No. 590, pp.1-44.
38. Curle, Adam (2007), " Happiness As a right", *The International journal of Human Rights. Published online*, pp.77-83.

**C) Websites**

39. Adam Thierer.2018.online available at: https://www.mercatus.org/ bridge/ commentary/right _pursue _happiness _earn)
40. Bringing some happiness. Available at https:// www.unwomen.org/ en/new/2013/3/ women-ushering-happiness-and-change
41. Economic Security strengthens tolerance and happiness as well as growth and development https ://www.ilo.org/ about_ the_ ilo/newsroom/ news/wcms_ 005218/lang_en/index.htmwww.ilo.int/global/about_the_ilo/newsroom/news/wcms (Economic Security strengthens tolerance and happiness as well as growth and development

**D) International Documents**

42. The Millennium Development Goals Report 2015. at https:// www.un.org/ millennium goals/2015-MDG
43.The Haitian Declaration of Independence( January 1.1804)
44.The Venezuela Declaration of Independence ( july 5.1811)
45.The Declaration of Independence of Democratic Republic of Vietnam( September
46. The Declaration of Independence of Liberia( july 16 .1847)

The right to happiness and sustainable development; From theoretical foundations to the practice of countries

**E) CASES**

47. Loving v. Virginia.388.us.1. Supreme court of united states.june12.1967 Billiard Hall case . 92 heonma80 ( Korean constitutional court. May 13.1993)
48. Meyer.v. state of Nebraska/ legal information Institute .web .Dec 2015.avalaible at www.law.cornell.edu/ supremecourt/text /262/390.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی